

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در تقریر پنجم از جریان اصل در اثبات مواسعه، مرحوم شیخ استصحاب جواز اتیان به حاضره را بیان کرد، به این بیان که قبل از اشتغال ذمه به فائده یقین به جواز اتیان حاضره داریم، بعد از اشتغال ذمه شک می‌کنیم، استصحاب جواز اتیان به حاضره می‌کنیم.

مرحوم شیخ اشکالات بعض المعاصرین به این استصحاب را در قالب سه اشکال مطرح کرد، که یک اشکال قیاس بودن استصحاب بود ولی دو اشکال دیگر مهم تر بود:

1. اشکال تعدد موضوع استصحاب به این بیان که حاضره بعد از اشتغال ذمه به فائده با حاضره قبل اشتغال الذمه بالفائده است، دو موضوع است.

2. عدم وجود یقین سابق در استصحاب؛ زیرا فرض این است که قبل از اشتغال به فائده اگر حاضره می‌خواست بر ذمه مکلف بیاید اتیانش صحیح بود و این یک حکمی است که صرفاً فرضی است و ثبوتی ندارد.

مرحوم شیخ صرفاً به پاسخ به اشکال دوم می‌پردازند که با پاسخ به این اشکال، اشکال اول نیز پاسخ داده می‌شود. مرحوم شیخ در پاسخ می‌فرمایند: اگر در این مساله مستصحاب را یک حکم شخصی جزئی فعلی خارجی در نظر بگیریم، اشکال وارد است ولی اگر مستصحاب یک حکم کلی به نحو قضیه شرطیه در نظر گرفته شود، اشکال وارد نیست.

عدم قدح فقد بعض شرائط در استصحاب حکم کلی

در استصحاب حکم کلی اگرچه تنجز و ثبوت آن متوقف بر تحقق شرایطی است، ولی در هر صورت این حکم کلی به نحو قضیه شرطیه موجود است، مرحوم شیخ در بیان این مطلب می‌فرماید:

إِنَّ وَجوب الفعل موسَّعا في أوَّل وقتها حكم شرعيّ كليّ و خطاب إلهيّ تعلّق بالمكلف و إن توقّف تنجّزه و ثبوته فعلا على شروط، لكن فقد تلك الشروط لا يقدح في صدق الحكم الكلّي على وجه القضية الشرطيّة بأن يقال: إن هذا المكلف ممّن يجب عليه الصلاة و تصح منه بمجرد دخول وقتها و اجتماع باقي شرائط الصلاة، فإذا حدث وجوب القضاء عليه لفوات بعض الفرائض يقع الشكّ في ارتفاع الحكم الكلّي المذكور، فيقال:

الأصل بقاؤه، فالمستصحاب هو الحكم على كلّ الحاضرة بالصحّة و الوجوب في أوَّل الوقت، لا على خصوص الحاضرة المنتجزة عليه حين فراغ الذمة عن الفائده حتّى يمنع انسحابه إلى الحاضرة التي يدخل وقتها حين اشتغال الذمة بالفائده إلا بالقياس أو بدلالة الدليل العامّ المغني عن الاستصحاب. و توهم كونه من القياس أو من استصحاب الحكم الفرضي مدفوع بما ذكرنا، فإنّ

استصحاب الحكم المعلق على شروطه قبل تحقق شروطه راجع إلى استصحاب أمر محقق منجز، كما يظهر بالتأمل.[1]

در استصحاب حکم کلی وجوب صلاة الحاضره، مکلف وجوب کلی صلاة با شرایط بر ذمه اش می باشد، وقتی که نماز قضا بر ذمه اش می آید شک می کند که این حکم کلی وجوب الحاضره برطرف شد یا هنوز باقی است، استصحاب بقاء حکم کلی وجوب الحاضره جاری می شود. وقتی گفته می شود که حکم وجوب صلاة به نحو کلی است، مراد خصوص این حاضره ای که در حین فراغ ذمه از حاضره منجز شده نیست، تا اشکال فرضی بودن حکم به آن وارد شود.

تفاوت استصحاب حکم کلی با استصحاب تعلیقی

مرحوم شیخ اگرچه در عبارت فوق تعبیر به استصحاب حکم معلق می کند ولی استصحاب در این مساله غیر استصحاب تعلیقی است، جهت فهم بهتر تفاوت بین این دو استصحاب ابتدا مثالهای از استصحاب تعلیقی بیان می کنیم:

مثال معروف استصحاب تعلیقی در باب غلیان عنب و زبيب است، یقین داریم که اگر عنب بجوشد حرام می شود، نسبت به زبيب شک می کنیم که اگر بجوشد حرام می شود یا خیر، استصحاب حرمت زبيب در صورت غلیان می کنیم. نکته مهم در این مثال این است که فرض این است عرفاً عنب و زبيب اتحاد در موضوع دارند، اشکال تغییر موضوع وارد نیست.

مثال دیگر برای استصحاب تعلیقی که خیلی کاربردی است، در بحث تصرفات مریض است، مریضی در حال مرض منتهی به موت مالی را هبه یا وقف می کند و سپس فوت می کند، بحث این است که این تصرفات از ثلث مال او نافذ است یا از اصل مال؟ آنهایی که می گویند از اصل مال نافذ است، به استصحاب تعلیقی تمسک می کنند، به این صورت که یقین داریم اگر این شخص در حال سلامت بود و تصرف می کرد از اصل مالش خارج می شد، در فرضی که این شخص مریض است و تصرف می کند شک می کنیم که آیا از اصل مال نافذ است یا خیر، استصحاب حکم سابق را می کنیم.

عده ای [2] در استصحاب تعلیقی اشکال می کنند که اصلاً مستصحب وجود ندارد، مرحوم آخوند در کفایه می فرماید: مستصحب بالفعل وجود ندارد اما نمی توانید بگوئید اصلاً وجودی ندارد، زیرا حکم، وجود دارد منتها وجودش به نحو تعلیق است و ما هم که می خواهیم آن را استصحاب کنیم، همان وجوب یا حرمت تعلیقی را استصحاب می کنیم، عبارت ایشان اینگونه است:

و توهم أنه لا وجود للمعلق قبل وجود ما علق عليه فاختل أحد ركنيه فاسد فإن المعلق قبله إنما لا يكون موجوداً فعلاً لا أنه لا يكون موجوداً أصلاً و لو بنحو التعلیق كيف و المفروض أنه مورد فعلاً للخطاب بالتحريم مثلاً أو الإيجاب فكان على یقین منه قبل طرو الحالة فیشك فيه بعده و لا يعتبر في الاستصحاب إلا الشك في بقاء شيء كان على یقین من ثبوته و اختلاف نحو ثبوته لا يكاد یوجب تفاوتاً في ذلك.[3]

در استصحاب تعلیقی کسانی مثل خود مرحوم آخوند که استصحاب تعلیقی را قبول دارند، می گویند درست است که مستصحب بالفعل موجود نیست اما یک نوعی از وجود دارد لذا عبارت آخوند این است که می فرماید: نمی توانیم بگوئیم اصلاً وجود ندارد بلکه یک نوعی از وجود دارد، اما در استصحاب حکم کلی به نحو شرطیه می خواهیم بگوئیم اولاً بالفعل موجود است ثانیاً می گوئیم این صلاة حاضره مع تحقق شرایط اگر واقع بشود صحیح است. اما اکنون که ذمه مکلف به فائده مشغول شده است، همان حکم به نحو قضیه شرطیه را استصحاب می کنیم.

نکته مهمی که در کلام مرحوم شیخ باید دقت شود این است که وی می فرماید: مستصحب یک امر جزئی نیست تا اشکال تعدد موضوع و فرضی بودن حکم مستصحب وارد شود. بلکه مستصحب کلی حاضره مع تحقق شرایط است و در اول وقت، کلی صلاة حاضره مع تحقق شرایط موجود و واجب است، لذا در فرضی که ذمه مکلف مشغول به فائده شده است، همان حکم کلی

وجوب را استصحاب می‌کنیم.

تفاوت منشا شک در استصحاب تعلیقی و استصحاب حکم کلی

منشا شک در استصحاب تعلیقی غیر از منشا شک در استصحاب حکم کلی است، در استصحاب تعلیقی تحقق شرط منشا شک است، یعنی وقتی معلق علیه آمد شک می‌کنیم آیا معلق می‌آید یا نه؟ در مثال مذکور وقتی غلیان می‌آید شک می‌کنید که آیا ذیبی هم که غلیان پیدا کرده است آیا حرام می‌شود یا خیر، اما در استصحاب حکم کلی آنچه که سبب شک است، قیدی است که نمی‌دانیم شرطیت دارد یا خیر، در این مساله مستصحب یک حکم کلی مع الشرایط است، وقتی که ذمه مشغول به فائده شد شک می‌کنیم این وجوب کلی باقی مانده است یا خیر، شرط تحقق و ثبت وجوب کلی دخول الوقت است ولی این شرط تأثیری در استصحاب ندارد، بلکه آنچه که سبب استصحاب است این است که آیا اشتغال به فائده سبب می‌شود این حکم کلی از بین برود یا خیر.

شاهد بر عدم اراده استصحاب تعلیقی از سوی مرحوم شیخ

مرحوم شیخ در ادامه می‌فرماید:

و لا يخفى أنَّ وجود مثله في المسائل الشرعيَّة و المطالب العرفيَّة أكثر من أن تحصي، و اعتماد أرباب الشرع و العرف عليه أمر لا يكاد يخفى [4]

این عبارت مرحوم شیخ به اینکه موارد استصحاب حکم کلی علی نحو القضیه الشرطیه موارد زیادی در فقه دارد که بیش از حد شمارش است نیز مویدی است بر اینکه مراد ایشان استصحاب تعلیقی نبوده است چون موارد استصحاب تعلیقی در فقه معدود است.

عینیت استصحاب صحت حاضره و عدم حرمة حاضره

مرحوم شیخ در نکته بعدی می‌فرماید:

و هذا الأصل بعينه هو استصحاب عدم حرمة الحاضرة - الذي تمسك به المعارض في التقرير الرابع من تقرير الأصل - ، إلا أنَّ ذلك عديمي و هذا وجودي [5]

وی می‌فرمایند: این استصحاب صحت حاضره با استصحاب عدم حرمة الحاضرة که قبلاً گفتیم یکی است منتهی استصحاب صحه حاضره، وجودی و استصحاب عدم حرمة الحاضره عدمی است.

تعارض استصحاب صحة حاضره با استصحاب عدم جعل وجوب حاضره

نکته بعد این است که می‌فرمایند: استصحاب مذکور با استصحاب عدم جعل وجوب الحاضره معارض است.

و كيف كان، فالاستصحاب على الوجه الذي ذكرنا لا غبار عليه، و قد عرفت سابقا ضعف معارضته باستصحاب عدم وجوب الحاضرة، لأنَّه حاكم عليه. [6]

مرحوم شیخ در پاسخ به این تعارض می‌فرماید: استصحاب صحة حاضره عنوان سببی نسبت به استصحاب عدم جعل وجوب دارد، ما وقتی شک می‌کنیم آیا شارع وجوب را در اینجا جعل کرد یا خیر، این شک ما مسبب از این است که کلی وجوب الحاضره مع اشتغال بالفائده آیا از بین رفت یا نه؟ لذا وقتی وجوب حاضره را استصحاب کردیم دیگر مجالی برای این استصحاب باقی نمی‌ماند.

پاورقی

- [1] مرتضی بن محمدامین انصاری، رسائل فقهیة (انصاری)، ص 291.
- [2] محمد بن علی طباطبائی، المناهل، ص 652.
- [3] محمدکاظم بن حسین آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ص 411.
- [4] انصاری، رسائل فقهیة (انصاری)، 291.
- [5] همان.
- [6] همان، 292.

منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایه الاصول، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1409.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهیة (انصاری)، 1 ج، قم - ایران، مجمع الفكر الإسلامي، 1414.
- طباطبائی، محمد بن علی، المناهل، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، بی تا.